



پایانِ سَرابِ دیپلماسی؛ پیروزی در ترازوی نقدینگی

گزارش تحلیلی از سیر تطور مطالبات هسته سخت نسبت به گزینه‌های صلح؛ از خون‌خواهی اولیه تا رد هرگونه توافق مکتوب و پافشاری بر تداوم فشار اقتصادی تا وصول فیزیکی غرامت.

اندیشکده روند

بازه زمانی: ۹ اسفند ۱۴۰۴ – ۵ فروردین ۱۴۰۵

گزارش تحلیلی

واکاوی الگوی ادراکی «هسته سخت» در نبرد سرنوشت

گزارش حاضر حاصل تحلیل داده‌بنیان از محتوای انتشاری در شبکه اجتماعی «ویراستی» در بازه زمانی بحرانی سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ است؛ مقطعی که در تاریخ تحولات سیاسی-نظامی ایران با عنوان «جنگ رمضان» و شهادت والاترین مقام عالی نظام شناخته می‌شود.

این شبکه به عنوان پایگاه اصلی و زیست‌بوم دیجیتال «هسته سخت» (Hard Core) طرفداران نظام، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به افکار عمومی انقلابی و پایش مطالبات بدنه مومن جامعه ایفا کرده است.



پرسش بنیادین گزارش

«در شرایطی که هزینه‌های جنگ به بالاترین سطح خود رسیده، بدنه اجتماعی حامی نظام چه خروجی‌ای را پیروزی قلمداد کرده و در برابر چه نوع توافقاتی گارد تدافعی خواهد گرفت؟»

در شرایطی که میدان نظامی با تکیه بر بازدارندگی فعال و مسدودسازی شریان‌های انرژی جهان (تنگه هرمز) به اوج حساسیت رسیده، بازشناسی مرز میان «پیروزی واقعی» و «ادراک شکست» در ذهن این پایگاه اجتماعی، اهمیتی حیاتی برای تصمیم‌سازان کلان دارد.

ذهنیت حاکم بر این جامعه آماری، فراتر از تحلیل‌های کلاسیک روابط بین‌الملل، بر پایه مفاهیمی چون «انتقام خون رهبر شهید»، «عدم بازگشت به عصر مذاکرات فرسایشی» و «تحمیل اراده بر مستکبرین» استوار است.

محور اول

رسمیت سیاسی

محور دوم

امتیازات اقتصادی در ابراه‌ها

محور سوم

نقدشوندگی غرامت‌های جنگی

روش‌شناسی: تحلیل کلان داده‌های ادراکی

تحلیل حاضر بر پایه متدولوژی «تحلیل محتوای کیفی و کمی» و با بهره‌گیری از تکنیک‌های هوش مصنوعی در پردازش زبان طبیعی (NLP) بر روی بیش از ۸۰۰۰ واحد محتوایی انجام شده است.

1	گردآوری داده‌ها جامعه آماری: محتوای شبکه «ویراستی» از اسفند ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵
2	کدگذاری تماتیک دسته‌بندی بر اساس کلیدواژه‌های میدان، دیپلماسی و داخلی
3	تحلیل احساسات سنجش قطبیت، شدت و نوع عاطفه کاربران در سه لایه
4	خوشه‌بندی جریان‌ها تقسیم کاربران به سه خوشه بر اساس راهکار پیشنهادی برای پایان جنگ
5	تحلیل تطبیقی سنجش میزان پذیرش اجتماعی هرگونه خروجی دیپلماتیک

کلیدواژه‌های تحلیل محتوا

داده‌ها بر اساس کلمات کلیدی و مفاهیم بنیادین به دسته‌های زیر تقسیم شدند:

کلیدواژه‌های میدان

- انتقام
- موشک
- بستن تنگه
- نابودی اسرائیل

کلیدواژه‌های دیپلماسی

- مذاکره
- عراقچی
- آتش‌بس
- عذرخواهی
- تضمین

کلیدواژه‌های داخلی

- نفوذ
- کودتا
- وفاق
- مجلس خبرگان

در تحلیل احساسات، فراتر از متن، «شدت» و «نوع» عاطفه (Affect) کاربران اندازه‌گیری شده است؛ شامل **قطبیت** (موافق/مخالف)، **شدت** (تندروی/اعتدال) و **نوع حس** (خشم مقدس، سوگوار، امیدوار یا مضطرب از تکرار تجربه‌های پیشین).

ریخت شناسی هسته سخت

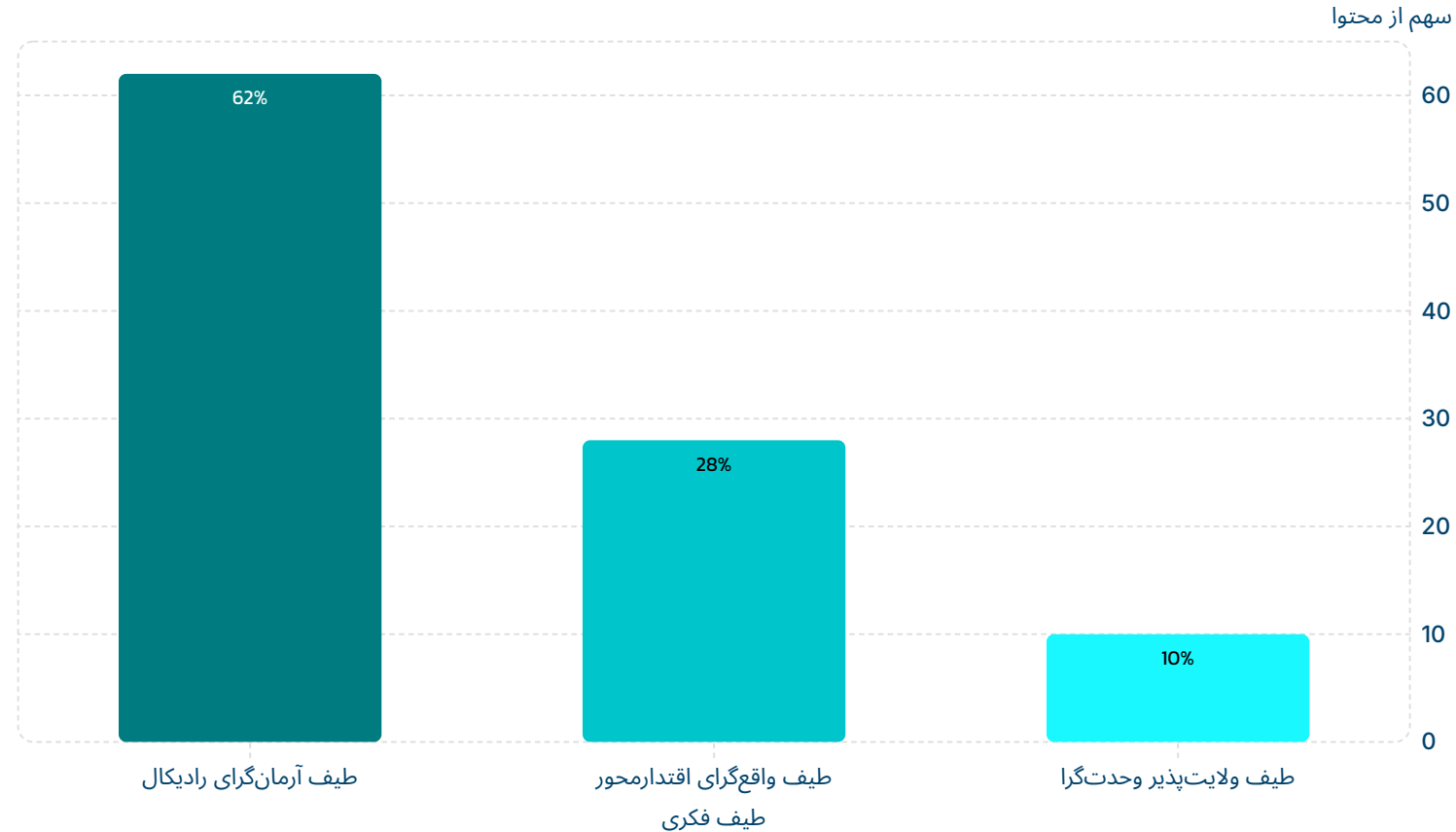
جریان شناسی فکری و سهم عملیاتی

در این بخش به تشریح ساختار درونی «هسته سخت» می پردازیم. هدف اصلی، شناسایی سه طیف فکری متمایز در میان حامیان نظام و تحلیل سهم هر طیف از گفتمان غالب در شبکه ویراستی است.

بخش اول: ریخت‌شناسی هسته سخت

جریان‌شناسی فکری و سهم عملیاتی

در تحلیل افکار عمومی شبکه ویراستی در بازه ۱۴۰۴-۱۴۰۵، هسته سخت طرفدار نظام برخلاف تصور رایج، یک توده همگن (یکدست) نیست. سه طیف اصلی با رویکردهای متفاوت نسبت به «پایان جنگ» و «تعریف پیروزی» قابل شناسایی هستند:



توزیع سه طیف اصلی در دیتابیس ۸۰۰۰ محتوایی شبکه ویراستی — جریان غالب با ۶۲٪ سهم، طیف آرمان‌گرای رادیکال است.

طیف آرمان‌گرایی رادیکال: نبرد سرنوشت

سهم از محتوا: ۶۲٪ – جریان غالب

منطق فکری

این گروه معتقدند شهادت رهبر انقلاب، حجت را تمام کرده و ایران وارد «نبرد آخرالزمانی» شده است. از نظر آن‌ها هرگونه توقف جنگ، خیانت به خون «امام شهید» است.

تعریف پیروزی

نابودی فیزیکی اسرائیل و خروج کامل و بدون قید و شرط آمریکا از منطقه.

موضع در برابر دولت

بدبینی مطلق. آن‌ها دیپلمات‌ها را «عمله‌های نفوذ» می‌دانند که وظیفه‌شان نجات دشمن در لحظه شکست (رسیدن به ۱۰ قدمی خیمه معاویه) است.



شعار محوری: «اتش بس حرامه، موقع انتقامه»

طیف واقع‌گرای اقتدارمحور و طیف ولایت‌پذیر

سهم: ۱۰٪

طیف ولایت‌پذیر وحدت‌گرا – پیروان سیگنال

منطق فکری: در شرایط بحرانی، تنها مرجع تصمیم‌گیری رهبری جدید (سید مجتبی خامنه‌ای) است. تلاش برای آرام کردن فضای دوقطبی میان «میدان» و «دیپلماسی».

تعریف پیروزی: عبور سلامت نظام از پیچ تاریخی انتقال قدرت و حفظ انسجام داخلی.

موضع در برابر دولت: حمایتی-توجیهی.

شعار محوری: «لبیک یا امام؛ هر چه او بگوید»

سهم: ۲۸٪

طیف واقع‌گرای اقتدارمحور – آقای بر هرمز

منطق فکری: پیروزی را در «تغییر موازنه قدرت جهانی» می‌بینند. تمرکز اصلی بر اهرم فشار تنگه هرمز و درهم شکستن پترودلار است.

تعریف پیروزی: پذیرش حاکمیت مطلق ایران بر تنگه هرمز، لغو واقعی تحریم‌ها و دریافت غرامت‌های سنگین.

موضع در برابر دولت: مشروط – تا زمانی که دولت از اهرم تنگه هرمز استفاده کند حمایت می‌کنند.

شعار محوری: «نون بازو در میدان، نه نسیه در پیمان»

تحلیل شکاف ادراکی

۹۰٪ از هسته سخت پایان جنگ بدون تغییر فیزیکی را شکست می‌دانند

دیتابیس نشان می‌دهد که ۹۰٪ از هسته سخت (مجموع طیف ۱ و ۲)، پایان جنگ را بدون «تغییر فیزیکی در جغرافیای سیاسی منطقه» به عنوان شکست تلقی می‌کنند.

- این بدان معناست که هرگونه روایت از پیروزی که صرفاً بر پایه «تعهدات کتبی» یا «رسمیت سیاسی» باشد، با مقاومت شدید این بدنه مواجه شده و احتمالاً به سرخوردگی اجتماعی یا تقابل با دولت منجر خواهد شد.

بخش دوم

تحلیل زمان مند

از غلیان عاطفی تا مهندسی قدرت

در این بخش منحنی تحول مطالبات هسته سخت را در سه فاز زمانی کلیدی دنبال می‌کنیم. هدف، درک این است که چگونه احساسات اولیه (انتقام) به محاسبات استراتژیک (کنترل تنگه هرمز) تبدیل شده‌اند.

بخش دوم: تحلیل زمان مند

از غلیان عاطفی تا مهندسی قدرت

تحلیل خروجی‌های شبکه ویراستی نشان می‌دهد که منحنی مطالبات هسته سخت طی سه مرحله کلیدی تغییر شکل داده است:



مرحله سوم: فروردین ۱۴۰۵

تولد منطق «هرمز» و غرور اقتصادی

پیروزی = تغییر نظم جهانی. مطالبه: بسته ماندن تنگه تا لغو کامل تحریم‌ها و دریافت غرامت نقد.

کلیدواژه‌ها: پترودلار، آقایی برابراه‌ها، عوارض به یوان



مرحله دوم: نیمه دوم اسفند ۱۴۰۴

تثبیت سیاسی و فویبای خیانت

پیروزی = تثبیت ولایت جدید و پاکسازی داخلی. مطالبه: عدم پذیرش هرگونه میانجی‌گری.

کلیدواژه‌ها: کودتای نفاق، سقیفه، عبرت از جنگ ۱۲ روزه



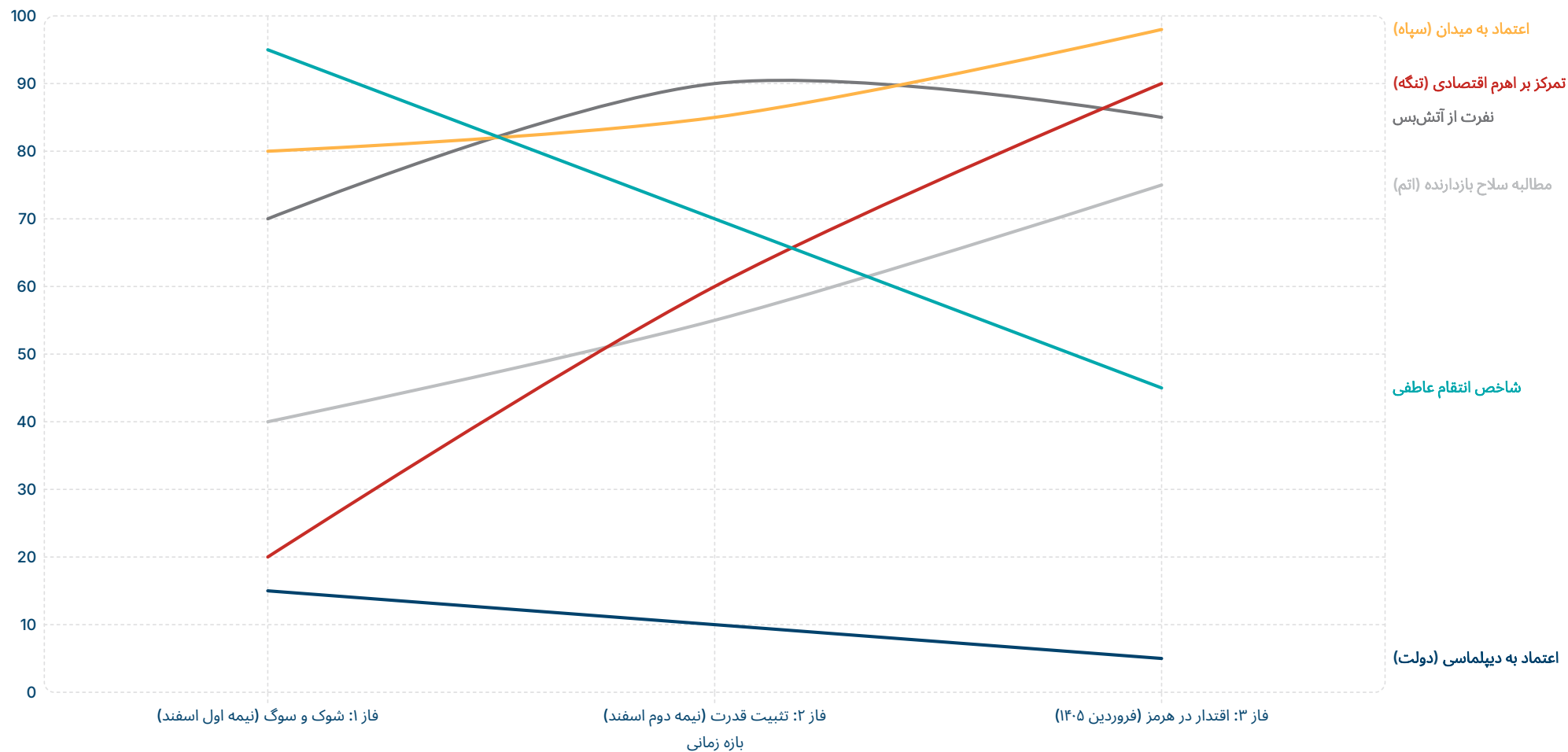
مرحله اول: نیمه اول اسفند ۱۴۰۴

شوک و سوگ تهاجمی

پیروزی = انتقام سخت‌آنی. مطالبه: شلیک حداکثری موشک به تلاویو و واشینگتن.

کلیدواژه‌ها: خون‌بها، انتقام سخت، سحرگاه صادق

نمودار تحول ادراکی هسته سخت (۱۴۰۴-۱۴۰۵)



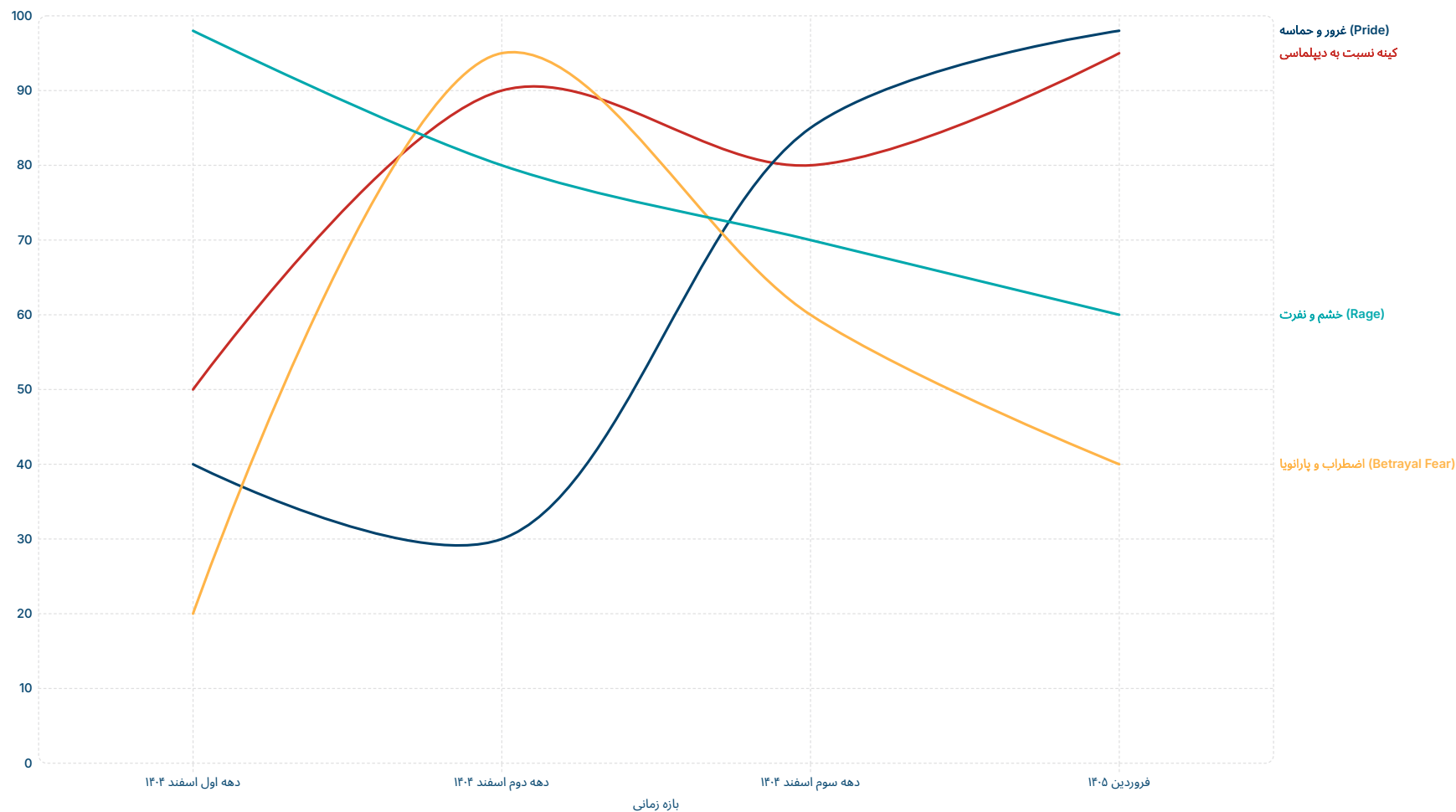
کالبدشکافی احساسات

در این بخش لایه‌های عاطفی هسته سخت را کدگذاری و تحلیل می‌کنیم. چهار شاخص اصلی — خشم، پارانویا، غرور و کینه از دیپلماسی — در چهار فاز زمانی رصد شده‌اند تا نقشه روان‌شناختی این جریان ترسیم شود.

بخش سوم: کالبدشکافی احساسات

نوسان سنجی از «درد» تا «ظفر»

در این بخش، احساسات غالب در سه لایه «خشم نسبت به دشمن»، «بدبینی به خودی (دولت)» و «غرور ملی» کدگذاری شده است.



تحلیل روند احساسی: چهار فاز کلیدی

1 فاز خشم مطلق (انفجار اولیه)

در روزهای ابتدایی جنگ، خشم با نمره ۹۸ حاکم است. احساس غالب «زخم خوردگی» است. کاربران پیروزی را در «فریاد انتقام» می بینند و احساسات ۱۰۰٪ معطوف به دشمن خارجی (آمریکا/اسرائیل) است.

3 فاز غرور بازدارنده (فروردین ۱۴۰۵)

با تثبیت بازدارندگی در تنگه هرمز، حس «غرور و حماسه» به عدد خیره کننده ۹۸ می رسد. احساس «آقایی بر جهان» جایگزین احساس «مظلومیت» می شود. کاربران دچار «شعف استراتژیک» شده اند: «ما دیگر تحریم شونده نیستیم، ما تحریم کننده هستیم.»

2

فاز پارانویا و ترس از خیانت (نقطه عطف روانی)

در دهه دوم اسفند، «ترس از انتخاب رهبری مصلحتی» (با نمره ۹۵) به حس اول تبدیل می شود. واژه هایی مثل «سقیفه» و «جام زهر» به اوج تکرار می رسند. احساس پیروزی در این فاز در «رسوا کردن نفوذی ها» تعریف می شود.

4

کینه پایدار نسبت به دیپلماسی (شکاف ترمیم ناپذیر)

شاخص «کینه نسبت به دیپلماسی» از ۵۰ شروع شده و در نهایت روی ۹۵ تثبیت می شود. هر چقدر ایران در میدان قوی تر شده، هسته سخت نسبت به تیم دیپلماسی کینه تیزتر شده است: «میدان پیروز شد، اما دیپلماسی به دنبال دزدیدن این پیروزی است.»

نمودار روان شناختی پیروزی: احساس پیروزی نهایی = (نابودی اسرائیل) + (اخراج آمریکا) + (برکناری / محاکمه تیم مذاکره کننده داخلی)

بازتعریف مفهوم «مذاکره»

در لغت‌نامه هسته سخت

در این بخش بررسی می‌کنیم که مفهوم «مذاکره» در ذهنیت هسته سخت چه تحول معنایی پیدا کرده است. این جریان مذاکره را نه به عنوان گفتگو، بلکه به عنوان «تله»، «پالس ضعف» یا «تحمیل اراده» تعریف می‌کند.

بخش چهارم: بازتعریف مفهوم «مذاکره»

در لغت‌نامه هسته سخت

تحلیل کدهای پرتکرار نشان می‌دهد که برای هسته سخت ویراستی، مذاکره دیگر به معنای «گفتگو برای رسیدن به نقطه مشترک» نیست. این مفهوم به سه لایه کاملاً متفاوت تقسیم شده است:

مذاکره به مثابه «تحمیل اراده»

این تنها لایه‌ای از مذاکره است که مشروعیت دارد. ایران نباید «مذاکره» کند، بلکه باید «شروط خود را ابلاغ کند». مذاکره‌کننده باید «فرمانده میدان» باشد نه «دیپلمات خندان».

پذیرش: ۸۰٪

مذاکره به مثابه «پالس ضعف»

هرگونه تمایل دولت به گفتگو، به معنای «لرزش زانو» تلقی می‌شود. کاربران معتقدند عذرخواهی یا درخواست کاهش تنش، دشمن را «جری‌تر» کرده و منجر به بمباران زیرساخت‌ها می‌شود.

پذیرش: کاملاً مردود

مذاکره به مثابه «تله ترور»

۷۵٪ کاربران معتقدند دشمن از واژه مذاکره صرفاً برای «خرید زمان»، «شناسایی محل مقامات برای ترور» و «توقف پیشروی میدان» استفاده می‌کند.

پذیرش: صفر درصد



جمله کلیدی پرتکرار: «میز مذاکره ما در میان امواج خلیج فارس و روی لانچرهای موشک است.»

ماتریس تفکیکی مفهوم مذاکره

مذاکره اقتدارمحور (میدانی)

بازیگر: سپاه / قرارگاه خاتم

هدف: تحمیل شروط / اخذ غرامت

۸۰٪ – مقبول

مذاکره غیرمستقیم (واسطه)

بازیگر: عمان / قطر

هدف: فریب / تله ترور

۱۵٪ – مشکوک

مذاکره دیپلماتیک (سنتی)

بازیگر: عراقچی / پزشکیان

هدف: خیانت / نجات دشمن

۵٪ – منفی مطلق

در دیتابیس، واژه‌ای به نام «برد-برد» کاملاً حذف و با واژه «تسلیم دشمن» جایگزین شده است.

تعریف جدید پیروزی: پیروزی یعنی دشمن (ترامپ) به نقطه‌ای از استیصال برسد که «التماس آتش بس» کند و ایران بدون نشستن پشت میز، «فرمان پایان» را صادر کند.

نتیجه‌گیری راهبردی: اگر دولت بخواهد پیروزی را از طریق یک «توافق‌نامه دیپلماتیک» روایت کند، هسته سخت آن را «دزدیدن دستاورد میدان» نامیده و مطالبات خود را به سمت «محاكمه تیم مذاکره‌کننده» سوق می‌دهد.

اهرم فشار تنگه هرمز

پیروزیِ نمادین یا پیروزیِ نقد؟

در این بخش تحلیل می‌کنیم که چرا تنگه هرمز به محور اصلی تعریف پیروزی در ذهنیت هسته سخت تبدیل شده است. این جریان پیروزی را نه در بیانیه‌های دیپلماتیک، بلکه در «نقدشوندگی فیزیکی امتیازات» می‌سنجد.

بخش پنجم: اهرم فشار تنگه هرمز

پیروزی نمادین یا پیروزی نقد؟

هسته سخت طرفدار نظام، پیروزی را با میزان «نقدشوندگی امتیازات» می‌سنجد. از نظر آن‌ها، پیروزی نمادین (مانند بیانیه پیروزی یا تبریک‌های دیپلماتیک) به معنای «باخت واقعی» است.

شرط پذیرش عوارض عبوری

گرفتن عوارض به صورت «مبهم» از نظر ۸۵٪ این جامعه آماری پیروزی محسوب نمی‌شود. کاربران تنها زمانی گرفتن عوارض را پیروزی می‌دانند که:

1. به صورت رسمی و حاکمیتی اعمال شود (نه توافق زیرمیزی)
2. با ارزهای غیردلار (ریال یا یوان) دریافت شود تا کمر پترودلار شکسته شود
3. لیست کشورهای مجاز به عبور، بر اساس «ادب سیاسی» آن‌ها در طول جنگ تنظیم شود (تنبیه هند و کره جنوبی)

تنگه هرمز به مثابه «تنگه احد»

۹۰٪ کاربران معتقدند باز کردن تنگه هرمز پیش از تحقق کامل شروط، تکرار خطای تاریخی «رها کردن تنگه احد» است.

آن‌ها معتقدند تنها دلیلی که آمریکا اکنون «التماس مذاکره» می‌کند، فشار اقتصادی ناشی از بستن تنگه است. لذا باز کردن آن یعنی خلع سلاح کردن خودخواسته ایران.

خسارت جنگ – وعده مکتوب یا نقدینگی میدانی؟ پذیرش مکتوب یا شفاهی غرامت از سوی آمریکا یا متحدانش، از نظر ۹۵٪ کاربران «فریب مطلق» است. دیتابیس سرشار از ارجاعات به برجام است: «ما نقد دادیم و نسبه گرفتیم؛ این بار نسبه نمی‌گیریم.»

جدول مقایسه‌ای: ادراک پیروزی واقعی در برابر کاذب

روایت پیروزی کاذب (مردود) ❌

- وضعیت تنگه: بازگشایی سریع برای آرامش جهانی
- غرامت جنگ: امضای توافق‌نامه برای پرداخت در آینده
- رابطه با آمریکا: رسمیت مجدد جمهوری اسلامی توسط واشینگتن
- عوارض کشتی: توافق مبهم دیپلماتیک برای کاهش تنش

روایت پیروزی واقعی (مقبول) ✅

- وضعیت تنگه: مسدود ماندن تا لغو عملی تمامی تحریم‌ها
- غرامت جنگ: وصول نقد غرامت + آزادسازی کل پول‌های بلوکه شده
- رابطه با آمریکا: اخراج فیزیکی سنتکام و تحقیر نظامی آمریکا
- عوارض کشتی: تحمیل رژیم حقوقی جدید بر تنگه با ارز غیردلار

پاسخ به سوالات راهبردی

تحلیل نهایی و جمع‌بندی استراتژیک

در این بخش پاسخ هسته سخت به چهار سوال کلیدی اتاق جنگ و دستگاه دیپلماسی را بررسی می‌کنیم: رسمیت آمریکا، عوارض تنگه، پذیرش خسارت و شرط بستن تنگه — هر کدام با وزن آماری دقیق از دیتابیس.

بخش ششم: پاسخ به سوالات راهبردی

تحلیل نهایی و جمع‌بندی استراتژیک

در ذهنیت هسته سخت ویراستی، پیروزی دیگر یک «وضعیت سیاسی» نیست، بلکه یک «تغییر فیزیکی و ملموس در موازنه قدرت» است. انتظار غالب این طیف، عبور از دوران «بدهستان‌های دیپلماتیک» و ورود به عصر «تحمیل اراده تمدنی» است.

انتظار ذهنی غالب (ضریب توافق ۹۲٪)

جنگ باید به «نقطه بی‌بازگشت» برسد:

- **تطهیر جغرافیایی:** اخراج کامل ارتش آمریکا (سنتکام) از کل منطقه غرب آسیا
- **تغییر دکترین:** اعلام رسمی دستیابی به سلاح هسته‌ای به عنوان ضامن بقا
- **انحلال چرخه فریب:** فروپاشی جریان «غرب‌گرا/سازشکار» در داخل و حاکمیت مطلق نگاه «میدانی»

پاسخ‌های چهارگانه به سوالات راهبردی

پرسش ب: عوارض مبهم از کشتی‌های عبوری؟

خیر – رد با وزن ۸۵٪

کلمه «مبهم» یادآور بندهای «اسنپ‌بک» و ابهامات برجام است. تنها روایت پیروزی: «رژیم حقوقی مقتدرانه و شفاف» با تعرفه حاکمیتی به ارزش ریال یا یوان.

پرسش الف: رسمیت مجدد توسط آمریکا؟

خیر – رد با وزن ۹۸٪

رسمیت یافتن توسط آمریکا نه تنها پیروزی نیست، بلکه «آغاز فتنه نفوذ» تلقی می‌شود. جمله کلیدی: «ما از شیطان رسمیت نمی‌خواهیم؛ ما به دنبال دفن شیطان هستیم.»

پرسش د: بسته ماندن تنگه تا نقد شدن غرامت؟

بله – تایید با وزن ۸۳٪

این تنها مدل پیروزی اقتصادی با مشروعیت در ویراستی است. منطق غالب: «نقد در برابر نقد». جمله پرتکرار: «تنگه هرمز، ضامن نقد شدن خون شهید است.»

پرسش ج: پذیرش شفاهی یا مکتوب پرداخت خسارت؟

خیر – رد با وزن ۹۵٪

اعتماد به «تعهدات مکتوب» آمریکا به پایین‌ترین سطح تاریخی رسیده. «امضای کری تضمین نیست» – ورق پاره‌های بین‌المللی نمی‌تواند خون‌بهای رهبر شهید باشد.

روایت پیروزی نهایی از نظر هسته سخت



آقایی حاکمیتی بر تنگه هرمز

با ارزش غیردلار و رژیم حقوقی مقتدرانه تحمیل شده به جهان



شکستن چرخه‌ی «جنگ - آتش بس - تجهیز مجدد»

تغییر واقعی در نقشه نظامی منطقه تا به شکل عینی امکان این وجود نداشته باشد و نه صرف بیانیه‌های دیپلماتیک



نقد شدن غرامت

وصول فیزیکی دلارها/یوان‌های غرامت و لغو عملیاتی کل تحریم‌ها

هرگونه خروجی که منجر به بازگشایی تنگه هرمز شود بدون «تغییر در نقشه نظامی منطقه» و «وصول نقد غرامت»، از سوی هسته سخت به عنوان «خیانت دولت» و «صلح تحمیلی» روایت خواهد شد.

هر سناریویی خارج از فرمول سه‌گانه فوق، میتواند با واکنش تند میدانی (تجمعات) و سرخوردگی عمیق بدنه اصلی مدافعان نظام مواجه شود.